

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی
فاطمه وثوقی؛ دانشجوی دوره دکتری جغرافیا
دانشگاه فردوسی مشهد
شماره مقاله: ۳۶۴

برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام و اثرات جغرافیایی آن^۱

Dr. M. H. Papoli Yazdi

Fatemeh Vossoughi; Geography doctoral candidate

Ferdowsi University of Mashhad

Planning and its Geographical Consequences from Islamic point of view

For attaining the economical, social, cultural and other aims and objectives of any development project, planning is the most fundamental of all factors.

Planning is, more than anything else, the result of ideological and strategic thinking of politicians.

Most of controversial issues in planning arise from the differences between spiritual (Islamic) and

۱- منظور نگارندگان این سطور بازکردن بحث اثرات ایدئولوژی برفضای جغرافیایی است. مسلماً صاحب‌نظران زیادی درباره برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام بحث کرده‌اند. اما جغرافیدانان ایران کمتر به کلیت مسأله پرداخته‌اند منظور ما به بحث گذاردن این مسأله در بین جامعه جغرافیدانان کشور است. توجه برنامه‌ریزان را هم به اثرات جغرافیایی برنامه‌ها جلب می‌کنیم. این مقاله با مقاله انواع منطقه‌بندی‌ها در ایران که در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۴ زیر چاپ است، تکمیل خواهد شد.

از راهنمایهای آقای دکتر محمدعلی احمدیان مدیر محترم گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد تشکر می‌شود.

از همکاری آقای سیدمهدی سیدی دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد تشکر دارد.

materialistic ideologies. Where as in the Islamic ideology the main objective is human exaltation and social justice "quest", materialistic ideology concentrates on material expansions, thus social justice, that in Islamic ideology is considered as the principal objective assumes a second place of importance in materialistic ideology.

In this article the two points of view are critically analyzed and the best way of planning, compatible with Islamic ideology, is discussed.

کلید واژگان: برنامه ریزی، ایدئولوژی الهی و غیرالهی، عدالت اجتماعی.

مقدمه

به موازات رشد و توسعه جوامع انسانی لزوم سازماندهی و جهتدهی به ایدئولوژی و تفکرات بیش از پیش آشکار شده است. سازماندهی محیطهای زندگی بشری و بهره‌گیری از امکانات طبیعی که امروزه برنامه ریزی نامیده می‌شود از گذشته‌های دور همواره به یاری ایدئولوژی و تفکرات انسانی انجام یافته است. آگاهی بشر به روابط پدیده‌ها و تغییر و تحولات آنها و بالاخره جهتگیری زندگی بر مبنای ایدئولوژی، سرآغاز فصل جدیدی از شناخت روابط و شئون زندگی گردید و نهایتاً به برنامه‌ریزیهای سیستماتیک انجامید. روابط انسان با دنیای اطرافش و نیز روابط آگاه و ناآگاه او با نظامهای فیزیکی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تعیین‌کننده خط‌مشی آینده زندگی وی خواهد بود. برنامه‌ریزی برای این امر در جهت هدایت تحولات، دگرگونیها و تغییرات روابط ناشناخته محیط پیرامون صورت می‌گیرد. با پیچیده‌تر شدن روابط نظامهای حاکم بر جوامع انسانی روز به روز تصورات ما از دنیای آینده و یا تفسیر آنچه که می‌گذرد مشکلتر خواهد بود. شاید پیش‌بینی تحولات و تغییرات این رودخانه در حال حرکت و نیز جلوگیری از غرق شدن در آن جز از طریق شناخت عوامل عمده تأثیرگذار بر مکانیسمهای این جریان امکانپذیر نخواهد بود. عمده‌ترین این عوامل وجود مکتبها و ایدئولوژیهای فکری، سیاسی یا اعتقادی است که به عنوان پی‌سنگ همه فعالیتها در پشت این جریانهای مشهود نهفته است و جهت‌گیری برنامه‌ریزیها و سازماندهی فضایی را تعیین می‌کند.

لذا در این تحقیق سعی شده است به مؤثرترین عوامل بر برنامه‌ریزی یعنی ایدئولوژیهای مختلف پرداخته شود. تأکید عمده در این مبحث بر روی ایدئولوژی اسلامی و برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام می‌باشد. سعی شده است برنامه‌ریزی از دید ایدئولوژی اسلامی با ایدئولوژی کاپیتالیستی و سوسیالیستی که عمدتاً در قرن اخیر بر بخشی از جهان حاکم شده است مقایسه شود. از آن جایی که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که سعی در پیاده‌کردن ایدئولوژی اسلامی در ابعاد مختلف آن را دارد، سعی شده مثالها و نمونه‌ها از ایران ارائه شوند.

اهداف برنامه‌ریزی

هدف از برنامه‌ریزی چیست یا چرا باید برنامه‌ریزی کرد؟ حقیقت این است که صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با توجه به ماهیت، اهداف و زمینه‌های تخصص‌یشان، پاسخهای متفاوتی بدین پرسش ارائه داده‌اند. از مجموع پاسخهای حاصله می‌توان چنین نتیجه گرفت که عمده‌ترین هدف در برنامه‌ریزی صرفه‌جویی، بهینه‌کردن و بهره‌وری است (صرفه‌جویی به معنی وسیع کلمه). معمولاً هر برنامه‌ریز سعی می‌کند در موارد ذیل صرفه‌جویی، بهینه‌سازی و بهره‌وری کند:

۱- زمان

۲- نیروی انسانی

۳- منابع طبیعی و امکانات بالقوه

۴- زیرساختها و امکانات و تأسیسات موجود

۵- سرمایه و ابزار

۶- بهره‌برداری هرچه صحیح‌تر از محیط زیست

۷- و بالاخره توسعه و رشد پایدار و همه‌جانبه

هدف از صرفه‌جویی و بهینه‌کردن، بهره‌وری مناسب از زمان، مکان، نیروی انسانی، منابع طبیعی، امکانات و سرمایه و ... است که در نهایت رشد و توسعه پایدار را به ارمغان می‌آورد. مجموع این موارد یعنی بهبود و بهینه‌کردن بهره‌برداری، تولید و مصرف. برای تحقق این امر باید با توجه به امکانات موجود، جهت‌گیریهای رشد و توسعه را مشخص کرد، گزینه‌های صحیح را انتخاب و اولویت‌بندی نمود و بهترین شیوه‌های تکنولوژیکی و مدیریتی را برای اجرا انتخاب کرد. هر کشوری برای تحقق برنامه‌هایش یک استراتژی بلندمدت اتخاذ می‌کند، بدین معنی که مشخص می‌کند در طولانی مدت آن کشور به کدام سو حرکت خواهد کرد. اکثر کشورهای پیشرفته جهان دارای یک استراتژی بلندمدت ۲۵ یا ۵۰ ساله هستند. این استراتژیها در برخی موارد آن چنان ساختاری شده‌اند که حتی با تغییر دولتها نیز در آنها خللی وارد نمی‌شود. استراتژی بلندمدت برای سهولت در اجرای خود به مقاطع زمانی چندی تقسیم می‌شود. مثلاً یک برنامه بلندمدت ۲۵ ساله به ۵ برنامه پنجساله تقسیم می‌گردد. حال این سؤال مطرح می‌شود که بطورکلی برنامه‌ریزی تحت تأثیر چه عواملی قرار می‌گیرد.

بنیان کار از نظر برنامه‌ریز بیشتر عوامل اقتصادی است ولی اساس کار از نظر سیاستمدار که برنامه‌ریز را هدایت می‌کند برخاسته از ایدئولوژی‌ای است که از آن پیروی می‌کند. بطورکلی ایدئولوژیها را می‌توان به دو بخش الهی (آسمانی) و غیرالهی (مادی) تقسیم کرد.

۱- ایدئولوژی الهی

این بینش هزاران سال است که بر سرنوشت بشر حاکم است. بدیهی است که برنامه‌ریزی به صورت فعلی در گذشته وجود نداشته است. با این حال ایدئولوژی الهی چنان در ساختار جوامع نفوذ کرده‌است که آثار آن را در تمام شئون زندگی انسانها می‌توان دید. در ادیان الهی چون اسلام و مسیحیت بخوبی می‌توان این آثار را مشاهده کرد. به عنوان مثال در کلیسای روم ناحیه‌بندی پاتریارش^۲ (PATRIARCHE) براساس کلیساها صورت می‌گرفته است. هر ناحیه بزرگ یک اسقف داشته‌است که در کلیسای بزرگ (کاتدرال) مستقر بوده‌است. حتی در کشوری چون فرانسه گاه کل کشور به دو یا سه اسقف‌نشین تقسیم می‌شده‌است. هر اسقف‌نشین از نظر وسعت معادل چند استان فعلی بوده‌است. این سلسله مراتب از بالا به پایین تا کلیسای محله ادامه داشت و حد و حدود محلات دقیقاً مشخص بوده است. هر محله تابع کلیسای محل بوده تا آن جا که در جنگها، سرپازگیری، پرداخت مالیات و... جایگاه هر فرد در حوزه کلیسای محلی خودش دقیقاً مشخص بود. حتی گاه بین اسقفها برای گسترش سرزمینهای تحت اداره‌شان جنگ در می‌گرفت. کنترل شدید کلیسای کاتولیک رم در طول زمان یک نوع رخوت، سستی، سکون و عدم تحوّل در همه امور از جمله امور علمی و اقتصادی پدید آورده بود. برخی دانشمندان یکی از عمده‌ترین پایه‌های تحولات اقتصادی امروز را در تحوّل کلیسا و پیدایش پروتستانیسیم جستجو می‌کنند^۳.

اسلام نیز در زمینه‌های مختلف دارای یک برنامه طولانی مدت بوده‌است. در طول زمان مکه معظمه مرکز و قلب تپنده اسلام بوده و تمام راهها در جهان اسلام به آن ختم می‌شده و می‌شود. بغداد نیز مرکز خلافت و قطب دیگر اسلام به شمار می‌آمده و مرجع و مقصد ملت‌های مسلمان بوده است. میلیاردها دیناری که از سراسر سرزمینهای اسلامی به سوی بغداد سرازیر می‌شده خود باعث رشد و توسعه منطقه بین‌النهرین بوده‌است^۴. رقابتهایی که بین کانونهای مختلف اسلامی چون بغداد، قاهره، استانبول شهرهای مهم آسیای مرکزی و... در می‌گیرد، هیچ یک نمی‌توانند در برنامه بلندمدت اسلام

2- Grand Larousse, 1991.

۳- مراجعه کنید به: ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و بریسا منوچهری کاشانی، انتشارات علمی - فرهنگی، تهران ۱۳۷۳.

۴- گی لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۶۴.

خداشه‌ای وارد آورند. از این روست که در سراسر سرزمینهای اسلامی به یک سری ساختارهای اساسی در امور شهری و روستایی می‌رسیم. در بخش وسیعی از سرزمینهای اسلامی به شهرسازی واحدی بر می‌خوریم که مسجد، آب انبار، بازار و حمام در وسط شهر قرار دارد و دیگر عناصر حول این محورها رشد می‌کنند.^۵

وقف و اثرات آن نیز یکی از عناصر عمده‌ای است که نقش مهمی در اداره همه امور روستاها و شهرهای اسلامی داشته‌است. وقف منشعب از ایدئولوژی دینی است که در اسلام به اوج خود رسیده‌است. همچنین منبع مالی بزرگ و پایداری است که نقش قابل توجهی در پیاده کردن اهداف اسلامی چه در زمینه توسعه مادی و چه در زمینه توسعه معنوی ایفا کرده‌است. بخشی از این وقفیات در راه توسعه مادی چون ساختن مدرسه، راه، پل و... و بخش دیگر در زمینه توسعه معنوی اسلام چون آموزشهای دینی و علوم اسلامی، مراسم مذهبی، سینه‌زنی، روضه‌خوانی و... هزینه می‌شود.^۶

قوانین شرعی اسلامی در همه امور مادی و معنوی کشورهای اسلامی جاری و ساری بوده‌است. در دو قرن اخیر به علل متعددی که استعمار مهم‌ترین آنهاست دولتهای حاکم سرزمینهای اسلامی کم‌کم از اجرای قوانین اسلامی دور شدند. پس از جنگ بین‌الملل اول و بخصوص دوم تحولات مهمی در سرزمینهای اسلامی حادث شده‌است. یکی از این تحولات ایجاد سازمانهای برنامه و بودجه و اقتصاد برنامه‌ریزی شده‌است. متتها در اکثر کشورهای اسلامی سازمانهای جدید و بویژه سازمانهای برنامه و بودجه از اهداف اسلامی دور شده و برنامه‌ریزیهایی را که عمدتاً متکی به مسائل مادی محض است در پیش گرفته‌اند. اجرای ایدئولوژی اسلامی برنامه‌ریزی اسلامی را نیز طلب می‌کند. برنامه‌ریزی اسلامی چیست؟ چه چیزی در برنامه‌ریزی اسلامی هست که در سایر شیوه‌های برنامه‌ریزی نیست؟ یا چه چیز باید رعایت شود که در صورت عدم رعایت آن برنامه‌ریزی، اسلامی نخواهد بود؟ در این مرحله لازم

۵- در این زمینه کتب متعددی منتشر شده‌است. یکی از آخرین آثاری که متأسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده‌است مجموعه مقالاتی است که در سال ۱۹۸۹ در توکیو برگزار شده‌است. ترجمه فهرست مقالات این مجموعه در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۰ چاپ شده‌است.

Urbanism in Islam, The Proceedings of The International Conferance on Urbanism in Islam, Oct 22-28. 1989, 5vol, Tokio, Japon.

۶- نگاه کنید به: ابوسعید احمدین سلمان، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف، تهران، بی‌تا.

است بطور کلی به سایر ایدئولوژیها نگاهی افکنده شود.

۲- ایدئولوژیهای غیرالهی (مادی)

در قرن اخیر این ایدئولوژیها به سه قسمت اساسی تقسیم می‌شوند:

الف) کاپیتالیسم (سرمایه‌داری)^۷

ب) سوسیالیسم و کمونیسم

پ) اقتصاد مختلط (سرمایه‌داری با دخالت دولت)

در خصوص مکتبهای سرمایه‌داری و سوسیالیسم کتابهای فراوانی به رشته تحریر درآمده است که می‌توان به آنها مراجعه کرد. برای مثال می‌دانیم تفاوت‌های آشکاری در مکاتب مختلف سوسیالیسم از دید جغرافیایی؛ بویژه فضاسازی جغرافیایی و ناحیه‌بندی، وجود دارد. مثلاً تفاوت اساسی بین سوسیالیسم در چین و اتحاد جماهیر شوروی سابق به چشم می‌خورد. این تحقیق نمی‌خواهد دیدگاهها و افکاری که در این راستا وجود دارند را به صورت خرد و جزئی مورد مطالعه قرار دهد، بلکه سعی دارد تا تفاوت‌های اساسی بین یک برنامه‌ریزی الهی و غیرالهی را بازگو نماید؛ چرا که وسایل و ابزار کار هر دو شیوه برنامه‌ریزی یکی است. هر دو از زمان، منابع، امکانات، سرمایه و... استفاده می‌کنند. به بیان دیگر خمیرمایه اولیه همه شیوه‌های برنامه‌ریزی یکی می‌باشد. حال باید دید چه چیزی رنگ و جلای آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند و یکی را الهی و دیگری را غیرالهی جلوه می‌دهد؟

تفاوت ایدئولوژیهای الهی و غیرالهی

موارد عدیده‌ای از این تفاوتها تاکنون مطرح و بررسی شده است که در محدوده این بحث نمی‌باشد. در این جا هدف بررسی موارد عمده در تفکرات و نگرشهایی است که برنامه‌ریزی و ساماندهی فضا را در اسلام با سایر مکاتب متفاوت کرده است.

نگرش به انسان: از مهمترین مواردی که تفاوت بین مکاتب مادی و مکتب الهی را در زمینه مسائل اقتصادی و برنامه‌ریزی بارز می‌کند، نگرش این مکتب به خود انسان است.^۸

در ایدئولوژی سرمایه‌داری نظر به این که ارزش انسان و کار او را تا سرحد ابزار و آلات و تولید تنزل می‌دهد و هدف را تولید و مصرف می‌داند، انسان را به عنوان مستخدم و وسیله‌ای از وسایل تولید و مصرف می‌شناسد و معتقد است که کارگر و نیروی انسانی در ردیف ابزار تولید است.

۷- مکتبهای فوق‌الذکر خود به زیرشاخه‌های چندی تقسیم می‌شوند که پرداختن به آنها از حوصله این بحث خارج است.

۸- ابراهیم رزاقی، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، نشر توسعه، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰ به بعد.

«کاپیتالیسم با این اعتقاد، انسانی را که با ابتکار و هنر خود می‌تواند ارزش مواد خام را بیشتر کند و آنها را مرغوب کند و در معرض مبادله قرار دهد در ردیف ابزار بی‌جان تولید آورده است»^۹. نظام اقتصادی سوسیالیسم و مارکسیسم نیز به نوعی دیگر انسان را در رابطه با تولید می‌بیند. در واقع میزان و نوع کار و تولیدی که انسان انجام می‌دهد ملاک ارزش انسان در این مکاتب است. اما در اسلام انسان وسیله نیست بلکه هدف است. «این تولید است که باید در خدمت انسان درآید و به عنوان وسیله‌ای در دست او باشد»^{۱۰}. انسان در ایدئولوژی اسلامی، ابزار تولید یا وسیله خوشگذرانی نیست بلکه محور است ... و هدف است. در ایدئولوژی اقتصادی مارکسیسم و کاپیتالیسم چون هدف به نحوی به تولید و مصرف برمی‌گردد، طبیعی است اگر کلیه تجهیزات، امکانات و برنامه‌ریزیها در این جهت قرار گیرد. در صورتی که ارزش والای انسان در ایدئولوژی اسلامی اصل «عدالت اجتماعی» را معنا می‌بخشد.

عدالت اجتماعی: یکی از اصول مهم اقتصاد اسلامی عدالت اجتماعی^{۱۱} است و عدالت اجتماعی بر دو پایه استوار است؛ اصل نخستین همیاری و اصل دوم توازن اجتماعی است.

ایدئولوژیهای غیرالهی نیز ادعای تأمین عدالت اجتماعی را دارند ولی نه به مفهوم الهی آن. روشن است هدف برنامه‌ریز مادیگرا توسعه مادی است و حتماً زمانی که از توسعه معنوی نیز سخن می‌گوید، آن معنویت را در نظر دارد که در جهت سوددهی مادی است. به بیان دیگر مثلاً هنگامی که از سواد صحبت به میان می‌آورد بدین دلیل است که ارتقای سطح سواد افراد، کارآیی آنها را بالا می‌برد، در نتیجه میزان تولید و مصرف افزایش می‌یابد و در نهایت سودآوری بیشتری را به ارمغان می‌آورد. بنابراین در توسعه معنوی به بخشهایی توجه می‌شود که زمینه‌ساز توسعه مادی هستند. بعلاوه آنها معتقدند با توزیع سرمایه، ایجاد شغل و در نهایت توسعه‌ای که به دست می‌آید، عدالت اجتماعی محقق می‌شود، اما هدف از این عدالت جلوگیری از بحرانهای سیاسی و اجتماعی است. «بطور کلی دولت‌ها در

۹- علی حجتی کرمانی، «توزیع عادلانه ثروت»، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۶.

۱۰- همان منبع، ص ۲۸۷.

۱۱- رجوع کنید به: قرآن مجید، سوره‌های آل عمران آیه ۱۸، مائده آیه ۴۲، هود آیه ۸۵، اسراء آیه ۳۵ و حدید آیه ۲۵.

- مهدی بنیاء رضوی، طرح تحلیلی اقتصادی اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷، ص ۵۱-۵۲.

- سیدمحمدباقر صدر، اقتصاد ما یا شناخت اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۱.

برنامه‌ریزی اقتصادی جهت رسیدن به هدفهای مطلوب، یا اولویت را به تحقق عدالت اجتماعی می‌دهند و یا بوسیله رشد تولید و پیشرفت اقتصادی می‌خواهند رفاه عمومی به وجود آورند، اما از نظر اسلام عالیترین و والاترین مقصودی که تمامی برنامه‌ها و فعالیتهای اقتصادی جهت رسیدن به آن باید بسیج شود، عدالت اجتماعی (به معنای دقیق اسلامی آن) می‌باشد، زیرا از نظر اسلام توزیع مقدم بر تولید می‌باشد و تولید باید در خدمت توزیع قرارگیرد. لذا اگر زمانی پیشرفت تولید به امر توزیع ضربه بزند باید جلو آن گرفته شود و توزیع مطلوب آن توزیعی است که بتواند عدالت اسلامی را در جامعه پیاده کند. بدین ترتیب از نظر اسلام عدالت اقتصادی مقدم بر افزایش کمی تولید و داراییها می‌باشد؛ زیرا رشد و توسعه اقتصادی بتنهایی (بدون آنکه در نظر گرفته شود در چه جهتی و به چه منظوری به کار گرفته می‌شود) نه شایسته تمجید است و نه سزاوار نکوهش. اما در صورتی که پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی به عنوان وسیله‌ای در خدمت عدالت اجتماعی تلقی شود و هر دو به عنوان واسطه و مقدمه زمینه‌ساز تقرب بیشتر افراد جامعه به سوی خدای باریتعالی شود و سبب شکر فزونتر و عبادت آنها را فراهم آورد مطلوب و پسندیده است.^{۱۲}

هدف از سرمایه‌گذاری: در ایدئولوژی الهی اساس، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای کمان و نزدیک شدن فرد و جامعه به خداست و این مسئله تفاوت اساسی در بینش الهی و غیرالهی به شمار می‌آید. این تفاوت دیدگاهی باعث می‌شود که هدف از سرمایه‌گذاری در ایدئولوژی الهی اصلاً سوددهی محض نباشد، در صورتی که در ایدئولوژی غیرالهی هدف از سرمایه‌گذاری فقط دست‌یافتن به سود مادی یا ملاحظات سیاسی، نظامی است. بدون توجه به این قضیه بسیاری از سرمایه‌گذاریهایی که دولت جمهوری اسلامی ایران، بویژه در اوایل انقلاب در روستاها و مناطق محروم هزینه کرده است، هیچ جای توجیه ندارد. به همین دلیل عده‌ای که به اساس و کنه تفاوت برنامه‌ریزی اسلامی توجه ندارند با سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و روستاها مخالفند چرا که این نوع سرمایه‌گذاریها بازده اقتصادی ندارند. در حقیقت اینان تکنوکرات هستند و با ایدئولوژی اسلامی آشنایی ندارند یا آشنایی کمی دارند. به همین دلیل است که گاه سخت بر سیاستمداران فشار وارد می‌آورند که چرا سرمایه‌ها را در مناطق و یا مواردی خرج می‌کنند که بازدهی و بخصوص سوددهی آنها نامطمئن است و یا بالکل نه تنها سودی را در بر ندارد، بلکه زیان هم دارد. امروز عده‌ای صحبت از بهره‌وری بهینه و ... می‌کنند، این بهینه‌ها بیشتر در

۱۲- محمدحسن مشرف جوادی، «عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام و راههای تأمین آن»، مجموعه مقالات فارسی

اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

جهت مادی قضیه است. از دیدگاه فردی که دائم در اندیشهٔ بهینه‌سازی است بسیاری از سرمایه‌گذاریهایی که تحت تأثیر ایدئولوژیهای الهی و بویژه اسلام انجام گرفته است، زیر سؤال می‌رود؛ چرا که ممکن است سرمایه‌گذاری سودآور نباشد. در صورتی که اصلاً از دیدگاه ایدئولوژی اسلامی رعایت عدالت اجتماعی مطرح است نه سود مادی محض^{۱۳}.

تفاوت بنیادین بین ایدئولوژیهای اسلامی و سایر شیوه‌های برنامه‌ریزی که مسائل را فقط از دید مادی می‌بینند برخاسته از تفاوت بین ایدئولوژی الهی و غیرالهی می‌باشد. بدون توجه به این امر نمی‌توان میلیاردها ریال هزینه در مناطق محروم کشور مثل روستاهای جنوب استان خراسان، یا نواحی دور افتادهٔ استان سیستان و بلوچستان و یا مناطق کوهستانی غرب کشور را توجیه کرد. سرمایه‌گذاری و بویژه خدمات‌رسانی به این مناطق در اکثر موارد نه تنها سودی مادی عاید نمی‌کند بلکه اصل سرمایه را هم به خطر می‌اندازد. حتی نگهداری این سرمایه‌گذارها نیز مخارج بهمراه دارد. به دیگر سخن از دید اسلام برای اجرای قسط و عدالت اجتماعی اصلاً بحث بر سر این نیست که چه میزان سرمایه و کجا هزینه شده است و سرمایه‌گذاری باید چه مقدار سودآوری داشته باشد، بلکه بحث این است که برای اجرای عدالت اجتماعی باید به مناطق محروم و مردم مستضعف آب، برق، بهداشت، آموزش و سایر خدمات ضروری داده شود؛ خواه سرمایه‌گذاری در این امور از نظر مادی سودآور باشد و خواه سود در برداشته باشد (هر چند که اینگونه سرمایه‌گذارها در بلندمدت سودآور است. چون این سرمایه‌گذارها در جهت تقویت زیرساختهاست) هدف از ایجاد امکانات فوق مسائل اقتصادی صرف نیست، حتی بهداشت و سلامت هم بخشی از هدف است نه تمامی آن. هدف از بهداشت پاک است نه تمیز بودن؛ چرا که برای عبادت پروردگار و نزدیک شدن به او که خود سرچشمه همهٔ پاکیهاست باید پاک و خالص بود. هدف از آموزش و سوادآموزی نزدیک شدن به خدا و تلاش برای رسیدن به کمال انسانیت است نه باسواد شدن برای چرخاندن بهتر یک ماشین و یا یک کارخانه. این امر هدف ثانویه است و هدف نهایی و غایی نزدیک شدن به کمال مطلوب است. «البته دولت اسلامی موظف است جهت بالا بردن متوسط سطح زندگی کلیهٔ افراد جامعه حداکثر تلاش و کوشش خود را به کار برد و در انجام این وظیفه با مقدم دانستن عدالت اجتماعی بر رفاه عمومی باید به ترتیب اولویت زیر عمل کند:

- شناسایی محرومترین و ضعیفترین اقشار جامعه و رفع نیازهای حیاتی و فوری آنها.

- تأمین نیازهای ضروری و اساسی عموم افراد جامعهٔ مسلمین و ارتقای سطح زندگی آنها تا

حد غنی^{۱۴}».

تمرکزگرایی: به نظر می‌رسد از دید اسلام برنامه‌ریزی سیاسی بیشتر به صورت متمرکز مورد تأیید است و برنامه‌ریزی اقتصادی و بهره‌وری از محیط به صورت غیرمتمرکز مورد تأکید است.

الف - تمرکز سیاسی: یکی دیگر از اصول ایدئولوژی اسلامی «اصل تمرکز» و اقتدار و استقلال در قدرت حاکمه اسلامی است که ریشه آن «توحید قدرت» است و لزوم دولت. در ایدئولوژی اسلامی بر خلاف مارکسیسم و وعده «جامعه بی‌دولت» حتی یک لحظه هم جامعه بی‌دولت را صحیح نمی‌داند. در واقع کشورهای سوسیالیستی نیز، بر خلاف فلسفه مارکسیسم به تمرکزگرایی رسیده‌اند و در عمل سعی در پیاده کردن هر چه بیشتر تمرکز از لحاظ سیاسی و اداری داشته‌اند. بطور مثال در شوروی سابق در مورد ناحیه‌بندیها و تعیین مرزهای مناطق داخلی نیز این امر وجود داشته است. ناحیه‌بندیها بیشتر جنبه سیاسی داشته و تسهیلات اداری برای تمرکز قدرت در مرکز بوده است.

در واقع ناحیه‌بندیهای درونی و تقسیمات شوروی سابق به ترکمنستان، تاجیکستان، آذربایجان و ... هم بیشتر به این دلیل بوده که قبل از آنکه روسیه آنها را تحت اختیار خود درآورد به همان صورت وجود داشته‌اند و در واقع بیشتر جنبه تاریخی مسئله بوده است. علاوه بر آن روی اقلیتها تأکید فراوان داشته‌اند و نمی‌خواستند و یا نمی‌توانسته‌اند مرزهای اقلیتهای قومی را در این سرزمین بسادگی نادیده انگارند. اما آنچه مشهود است این است که این ناحیه‌بندیها نه برای ایجاد یک دولت فدرال غیرمتمرکز بلکه در جهت تمرکز هر چه بیشتر قدرت حزب حاکمه صورت پذیرفته است.

ایدئولوژی اسلام از نظر سیاسی تمرکزگراست اما ایدئولوژی اسلامی مخالف ملی‌گرایی و ناسیونالیسم است. از نظر این ایدئولوژی همه آحاد بایستی زیر پرچم لاله‌الله باشند و تمام سخن بر روی «امت واحده» است. از نظر تئوریک آنچه را که اسلام تمرکز می‌دهد «امت واحده» است که بایستی حول محور اسلام حرکت کند.

در حکومتهای سنتی غیردینی مردم، «ملت» نیستند، بلکه «رعیت» می‌باشند، یعنی حقی نسبت به حکومت ندارند (توجه شود مثلاً در دوره قاجاریه همه جا صحبت از رعایای ایران است) و دولت نیز نسبت به آنان وظیفه‌ای ندارد، ولی در حکومتهای مدرن مردم عملاً دارای حق و حقوق هستند و هر فرد در سرنوشت سیاسی خود دخیل و حق اظهارنظر دارد. در اسلام نیز بویژه در مسائل مربوط به رابطه دولت و مردم «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» مصداق کامل دارد.

اما از نظر اداری می‌توان گفت از آن جایی که ایدئولوژی اسلامی خاصیت جهان‌شمولی دارد نمی‌خواهد و نمی‌تواند به سمت تمرکز در اداره امور اداری پیش برود. در این زمینه حکومت حضرت علی (ع) که مالک‌اشتر را بعنوان والی با اختیارات تام به مصر فرستاد بهترین نمونه است. یعنی تمرکز سیاسی در دست امام (ع) است ولی امام (ع) اداره امور یک سرزمین را به شرط رعایت اصول اسلامی به والی (مصر) واگذار می‌کند. در قانون مشروطیت نیز تصویب شوراهای ایالتی و ولایتی اگرچه عملاً اجرا نشد تأکیدی بر این امر است.

ب) تمرکز ثروت: ایدئولوژی سرمایه‌داری با تمرکز ثروت و سرمایه در دست افراد موافق است و یکی از اصول پیشرفت اقتصادی را تمرکز ثروت در دست افراد می‌داند. اما اسلام با تمرکز و تکثیر ثروت در دست افراد مخالف است.

جامعه ایده‌آل اسلامی از نظر ابعاد زمان و مکان با جوامع ایده‌آل سایر مکاتب متفاوت است. در جامعه اسلامی بعد زمان، همیشه (تا ابد) و بعد مکانی، همه جاست. در این ایدئولوژی همه از مواهب طبیعت بطور معقول و عاقلانه برخوردار می‌گردند (در هر نسلی)^{۱۵}؛ بنابراین چنانچه در اصل چهل و هشتم قانون اساسی نیز آمده است «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. بطوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد»^{۱۶}. رعایت تعادل در اقتصاد منطقه‌های کشور ضروری است.

هدف نهایی در ایدئولوژی اسلامی «پرورش انسانهایی والا و مقرب باللّه و ساخت جامعه‌ای متعالی است و برنامه‌ریزیهای توسعه اقتصادی - اجتماعی و فضایی وسیله‌هایی هستند برای ارتقای وضعیت مادی و معنوی جامعه، رفع موانع بازدارنده و تأمین نیازهای انسان در راه کسب این هدف غایی؛ از این رو اهداف توسعه و برنامه‌ریزی عبارتند از:

در بُعد اقتصادی: استقلال اقتصادی، پیشرفت اقتصادی و رشد اقتصادی

۱۵- حسین باهر، نقد و بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی، انجمن خدمات اسلامی تهران، ۱۳۵۸.

۱۶- اصول ۳، ۹، ۱۰، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز

بر این امر تأکید دارد.

در بعد اجتماعی: اعتلای اجتماعی و عدالت اجتماعی»^{۱۷}

بعضی فکر می‌کنند عدالت اجتماعی یعنی تقسیم به نسبت پول، در حالی که چنین نیست. عدالت اجتماعی یعنی هر منطقه باید به اندازه توان و ظرفیتی که دارد سرمایه و امکانات دریافت کند، یا هر انسانی به میزان کار و تلاشی که می‌کند سود عایدش شود. از این رو باید به مناطق محروم امکانات لازم داده شود تا به توسعه دست یابند. هنگامی که چنین تفکری حاکم است، گرچه سرمایه‌گذارهای رفاهی و زیربنایی در بسیاری از مناطق هیچ توجیه اقتصادی ندارد، اما بر اساس این بینش باید در آن مناطق سرمایه‌گذاری کرد. پس تفاوت اساسی برنامه‌ریزی الهی و غیرالهی در عدالت اجتماعی (قسط) است. حال باید دید برای رسیدن به ابعاد اقتصادی و اجتماعی اسلام، در بین انواع برنامه‌ریزی‌های رایج چه نوع برنامه‌ریزی را باید دنبال کرد. می‌دانیم برنامه‌ریزی به طرق گوناگون صورت می‌گیرد. در این جا برای آن که ببینیم انتخاب کدام یک از شیوه‌های برنامه‌ریزی ما را در راه رسیدن به اهداف اقتصادی اسلام و عدالت اجتماعی بیشتر یاری می‌دهد. به عنوان نمونه به رایجترین آنها یعنی برنامه‌ریزی بخشی و منطقه‌ای اشاره‌ای می‌کنیم.

انواع برنامه‌ریزیها

۱- برنامه‌ریزی بخشی

منظور از برنامه‌ریزی بخشی این است که یک کشور در استراتژی طولانی مدت خود به سوی کشاورزی، صنعت، خدمات و یا ترکیبی از هر سه نظر دارد. ممکن است در داخل هر بخش نیز به زمینه خاصی توجه داشته باشد. می‌دانیم که در دهه ۱۹۶۰ بسیاری از کشورهای مستعمره جهان سوم به استقلال رسیدند. پس از استقلال، لازم بود این کشورها خط‌مشی آینده‌شان را ترسیم می‌کردند، پاره‌ای از آنها تحت تأثیر سیاستهای جهانی تلاش می‌کردند تا صنعتی شوند. برای برخی از آنها صنعتی شدن حتماً به صورت یک عقده روحی در آمده بود، چرا که دریافته بودند اروپاییان به کمک ابزار و تکنولوژی مدرن سالها آنها را استعمار کرده بودند. تصور آنها بر این بود که اگر به صنعت دست یابند، می‌توانند از استقلال خویش دفاع کنند و به عبارتی شخصیت و هویت ملی، فرهنگی و دینی خود را بازیابند. بدین نحو بسیاری از کشورهای جهان سوم، استراتژی بلندمدت خود را بر پایه بخش صنعت بنا نهادند، بطوری که برخی از آنها در این راه چنان افراط کردند که کشاورزی و زندگی روستایی و سنتی خویش را

۱۷- وزارت برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران، معاونت امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی

بکلی رها کردند. نتیجه آن شد که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بسیاری از این کشورها نه تنها صنعتی نشدند، بلکه به واردکنندگان عمده مواد غذایی نیز تبدیل گشتند.

از نظر اثرات جغرافیایی برنامه‌ریزی بخشی خود به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شود:

الف) برنامه‌ریزی بخشی قطبی

ب) برنامه‌ریزی بخشی - بخشی یا بخشی توزیعی

الف - برنامه‌ریزی بخشی - قطبی

در این نوع برنامه‌ریزی برخی نقاط یا مناطق انتخاب و در راستای استراتژی اتخاذ شده سرمایه‌های ملی متوجه آن مناطق می‌شود. بتدریج مناطق مذکور به یک قطب اقتصادی تبدیل می‌شوند. در رژیم گذشته نظام برنامه‌ریزی ایران نیز مبتنی بر برنامه‌ریزی بخشی قطبی و عمدتاً با تکیه بر درآمدهای نفت بود. بارها و بارها مقامات آن زمان اعلام کردند که ایران باید به سوی صنعتی شدن گام بردارد. استراتژی رژیم گذشته پس از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی توجه بیش از پیش به صنعت داشت. در این راه توسعه بی‌حد چند شهر اصلی در مقابل سکون یا رشد کم روستاها و شهرهای حاشیه‌ای و بقیه مناطق عقب‌افتاده باعث شد مسائل روستایی به فراموشی سپرده شود و بخش کشاورزی که حیات روستاییان به آن وابسته بود دچار رکود گردد. در این میان برخی از محققان، وجود مجتمعات کشت و صنعت را دلیلی بر برنامه‌ریزی روستایی در رژیم گذشته می‌دانند. این مسأله تا حد زیادی صحیح نیست؛ چراکه این کشاورزی پیشرفته بیش از آن که در خدمت توسعه روستایی باشد در خدمت بخش صنعت بوده و یا در رابطه با تأمین مواد خام بازارهای بین‌المللی حرکت می‌کرده است.

برنامه‌ریزی بخشی در ایران یک برنامه‌ریزی تمرکزگرا یا قطبی بوده است. سرمایه‌گذارها عموماً در قطبهایی چون تهران - کرج - قزوین، اصفهان، تبریز، اهواز - آبادان و ... صورت می‌گرفتند. برخی بر این باورند که در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران وجود داشته است^{۱۸}. حال آن که در حقیقت برنامه‌ریزی منطقه‌ای به معنی فراگیر آن در سطح کل کشور وجود نداشته است. به عبارت دیگر در واقع در همین مناطقی که قرار بوده است برنامه‌ریزی بخشی قطبی پیاده شود، طرحهای مطالعاتی آمایش منطقه‌ای انجام می‌گرفته است. در واقع هدف مطالعات منطقه‌ای و برنامه‌ریزی در

۱۸ - سیدحسن معصومی اشکوری، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، نشریه

مناطق مختلف، رسیدن به قطب اقتصادی بوده^{۱۹} و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای کل کشور مدنظر نبوده است. در این برنامه‌ریزی بخشی متمرکز، کل شرق ایران یعنی استانهای سیستان و بلوچستان و خراسان غیرصنعتی تلقی شده‌اند. در استان خراسان جز صنایع غذایی بویژه کارخانه‌های قند، صنایع مهم دیگری وجود نداشته است. استانهای دیگر چون آذربایجان غربی، کردستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، هرمزگان و بخشهای جنوبی فارس نیز غیرصنعتی بوده‌اند^{۲۰}. در این مناطق اگر صنایع کوچکی دیده می‌شود، سرمایه‌گذاری توسط دولت انجام نشده است، بلکه بخش خصوصی اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است. در این شیوه برنامه‌ریزی مناطق کوچکی از یک کشور توسعه می‌یابند، در صورتی که بخشهای مهمی از آن کشور با عدم توسعه یافتگی روبرو می‌شوند. تمام سرمایه‌های مادی و انسانی به سوی قطبها به جریان می‌افتد و سایر مناطق بهترین تواناییها و کارآمدترین نیروهای خود را به نفع قطبهای توسعه از دست می‌دهند. گاه تراکم جمعیت در قطبها به حدی زیاد می‌شود که خود مانع توسعه همین مناطق می‌گردد^{۲۱}.

این برنامه‌ریزی شدیداً متمرکزگرا است^{۲۲}. نتایج برنامه‌ریزی بخشی متمرکز این بوده است که کشور قبل از انقلاب با وجود فراهم بودن زمینه‌ها و امکانات لازم برای رشد و توسعه و بهره‌برداری از ذخایر زیرزمینی چون نفت و منابع طبیعی، این شیوه برنامه‌ریزی نتوانست یک ساخت اقتصادی مستقل و مؤثر ایجاد کند و شرایط لازم را جهت رشد و توسعه کشور فراهم نماید. کلیه این امکانات به جای آن که در جهت توسعه اقتصادی و افزایش ظرفیتهای تولیدی در مناطق مختلف صرف شود عملاً صرف تقویت روحیه مصرف‌گرایی مردم به منظور گسترش واردات کالاهای مصرفی از خارج و تا حدی صرف

۱۹- رجوع شود به: اصغر طلا‌مینایی، تحلیلی از ویژگیهای منطقه‌ای در ایران بر اساس مطالعات منطقه نمونه اصفهان، دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۳.

۲۰- رجوع شود به: رضا مستوفی الممالکی، «توزیع جغرافیایی تعداد و انواع واحدهای صنعتی کشور و علل توسعه ناحیه‌ای آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷.

۲۱- رجوع شود به: محمدحسین پاپلی یزدی، سید احمد فدایی، «مهاجرتهای روستایی خراسان، تیب کوهستانی - دره‌ای (نمونه روستای روئین)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶، ۱۳۶۶، ص ۷۷. همچنین: رضا آیرملو، «مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۶۳، شماره‌های ۳۱-۳۲-۳۳.

۲۲- محمدحسین پاپلی یزدی، «تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹.

سرمایه‌گذارهای صنعتی و پروژه‌های عظیم گشت. در واقع اقتصاد ایران تبدیل به یک اقتصاد مصرفی وابسته به نفت (اقتصاد کمپرادور) که اکثر مواد غذایی و بیشتر کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را با صدور نفت از خارج وارد می‌کند، گردید^{۲۳}. مسلم است که این گونه وابستگی اقتصادی که در نهایت به نفوذ و سیطره سیاسی بیگانه می‌انجامد، هرگز مورد تأیید اسلام و ایدئولوژی الهی نیست.

نتیجه دیگر این شیوه برنامه‌ریزی عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه عدم رعایت عدالت اجتماعی می‌باشد. این امر نه تنها موجب بروز بحرانهای سیاسی و حتی انقلابات می‌شود، بلکه از اهداف ایدئولوژی اسلامی نیز بسیار دور است.

نتیجه اتخاذ استراتژی برنامه‌ریزی بخشی قطبی (بخشی تمرکزگرا)، عدم تعادل اقتصادی در مناطق مختلف کشور است که این امر خود عدم تعادل اجتماعی را به دنبال دارد. به عنوان مثال منطقه صنعتی تهران-کرج-قزوین یا منطقه صنعتی اصفهان از نظر وسایل و امکانات رفاهی، مصرفی، تفریحی، سطح سواد و کلاً توسعه و ... تفاوت‌های آشکاری با مناطقی چون جنوب خراسان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان و ... که صنعتی نیستند، پیدا می‌کند. این عدم تعادل حتی در سطح همان مناطق صنعتی نیز به چشم می‌خورد. وجود عده‌ای قلیل سرمایه‌دار در برابر گروه کثیر کارگران شاهدهی بر این ادعاست. مسلم است نتایج هر برنامه‌ریزی حاصل سیاستهای کلان در هر کشور است. سیاستهای کلان هر کشور نیز تابعی از سیاستهای کلان جهانی است. بیشتر افرادی که طرفدار برنامه‌ریزی بخشی قطبی هستند کسانی هستند که تحت تأثیر سرمایه‌داری کمپرادور یا سرمایه‌داری وابسته بوده‌اند^{۲۴}.

البته در برخی کشورها اتخاذ برنامه‌ریزی بخشی تمرکزگرا (قطبی) با موفقیت همراه بوده‌است. طرفداران این تفکر معتقدند که سرمایه محدود است. حال اگر این سرمایه محدود را در بخشهای متعدّد به کار اندازیم و آن را در سطح مناطق مختلف نیز بخش نماییم نه تنها سوددهی آن کاهش خواهد یافت بلکه حتی احتمال به خطر افتادن اصل سرمایه نیز وجود دارد. بنابراین برای اجتناب از این امر می‌باید در یک بخش خاص اقدام به سرمایه‌گذاری کرد. حامیان این اندیشه معتقدند که از درآمد بخش مذکور می‌توان در مناطق دیگر سرمایه‌گذاری کرد. به دیگر سخن در بلندمدت پرتوهای توسعه مناطق پیشرفته

۲۳- وزارت برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران، معاونت امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی

منطقه‌ای، ۱۳۶۴.

۲۴- محمدحسین پاپلی بزدی، مباحث درس دکتری مکتبهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای.

در یک کشور، سایر مناطق را نیز در برخواهد گرفت^{۲۵}. براساس این نظریه ارائه خدمات رفاهی بویژه رایگان به مردم ضرورت چندانی ندارد، از این رو نباید نگران بخشهایی از کشور بود که فاقد خدمات رفاهی نیستند. در حقیقت اینان معتقدند به جای دادن ماهی باید به افراد ماهیگیری آموخت. به همین جهت است که وقتی به یکی از نخست وزیران رژیم سابق (هویدا) می‌گویند فلان منطقه کشور از خدمات رفاهی محروم است او می‌گوید برخوردار خواهد شد.

همچنان که پیشتر یادآور شدیم برخی کشورها با الهام از چنین تفکری به توسعه دست یافته‌اند. ایتالیا در دهه ۱۹۶۰ وضعیتی خاص داشت. شمال و جنوب ایتالیا تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر داشتند. شاخصهای توسعه در شمال ایتالیا همانند کشورهای پیشرفته بود و جنوب ایتالیا وضعیتی مانند کشورهای جهان سوم را دارا بود. در شمال مالاریا ریشه‌کن شده، شبکه راه‌آهن بسیار گسترده، فرودگاههای بزرگ، کارخانجات عظیم و... احداث شده بود، حال آن که از ناپل به سوی جنوب مردم گرفتار مالاریا و هزاران مشکل دیگر بودند. دولت ایتالیا معتقد بود باید در شمال سرمایه‌گذاری کرد و از سود حاصله برای توسعه جنوب هزینه نمود. ژاپن نیز در گذشته چنین وضعی داشته است. هنوز هم تفاوت‌های آشکاری در برخی از مناطق آن بویژه بین جزایر شمالی و جزیره مرکزی ژاپن وجود دارد.

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا برنامه‌ریزی بخشی قطبی در ایران موفق نبوده است؟ در پاسخ باید گفت عمده‌ترین مانع در راه توفیق این برنامه همانا فساد مالی حاکم بر دستگاه اداری رژیم گذشته بوده است. متولیان امر پیش از آن که درصدد اجرای اهداف تعیین شده باشند، در پی منافع خویش بوده‌اند.

ب) برنامه‌ریزی بخشی - بخشی

بر پایه این نوع برنامه‌ریزی، به جای ایجاد صنایع بزرگ و متمرکز در مناطقی محدود، صنایع در مقیاس کوچک احداث و در سطح مناطق یک کشور پراکنده می‌شوند. به عنوان مثال به جای ساخت یک کارخانه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تنی فولاد در یک منطقه اقدام به ایجاد صد کارخانه ۲۰۰/۰۰۰ تنی تولید فولاد در نقاط مختلف کشور می‌کنند^{۲۶}. این استراتژی در برخی از کشورهای اروپایی پیاده شده است. بخش مهمی از صنایع آلمان به صورت غیر متمرکز و پراکنده است. حتی اگر صنایع مزبور بزرگ باشند کارخانجات جنبی آنها را در سراسر کشور پخش کرده‌اند. چنین تفکری در اواخر رژیم شاه در ایران نیز شکل گرفت. به عنوان مثال کارخانه ایران ناسیونال در سطح کشور دارای شعبات متعددی بود. در رژیم

۲۵- رجوع کنید به نظریه تراوش‌گرایی در: بوسف نراقی، توسعه و کشورهای توسعه یافته، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.

۲۶- اف. شوماخر، اقتصاد با ابعاد انسانی کوچک زیاست، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۲.

گذشته اتخاذ چنین استراتژی بیشتر جنبه سیاسی داشته است تا اقتصادی^{۲۷}. در چین نیز با چنین شیوه برنامه‌ریزی روبرو هستیم. چینیها در دهه ۱۹۵۰ که استراتژی طولانی‌مدت کشور خود را طراحی می‌کردند بنا به دلایل سیاسی - نظامی، اقتصادی سرمایه‌ای و جمعیتی توسعه خود را بر پایه صنایع کوچک طراحی کردند. برنامه‌ریزی روستایی در چین غیرمتمرکز بوده است؛ به این ترتیب که در هر منطقه تصمیمات بر اساس امکانات محلی و مشارکت مردم ذینفع انجام گرفته است و نه بر اساس تصمیمات دیکته شده از بالا به پایین. ایجاد «کمونهای خلق» در مناطق روستایی چین در سال ۱۹۵۸ با هدف توسعه روستاها، از جمله اقدامات مثبت مائو بود. کمون خلق چین عبارت از واحد سیاسی - اقتصادی - اداری چند منظوره‌ای است که مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی - اداری لازم برای یک جامعه روستایی را انجام می‌دهد. افراد شهری معتقد به مائو با رفتن به روستا، جهت افزایش تولید برنج (با کشت متراکم) و همچنین ایجاد صنایع با مقیاس کوچک (بخصوص صنایع ذوب فلزات) حرکت «خیز بزرگ به جلو» که توسط مائو دستور داده شده را به اجرا درمی‌آوردند^{۲۸}.

در واقع می‌توان گفت چین با سرمایه‌ای نسبتاً اندک و مهارت نه چندان چشمگیر صنایعش را در مناطقی وسیع پخش کرد. با انتخاب چنین استراتژی‌ای نه تنها ارز قابل ملاحظه‌ای از تولید صنایع مذکور عاید چین گردید بلکه صنایع یاد شده از مهاجرت جمعیت روستایی به سوی شهرها و ایجاد کانونهای چندین ده میلیون نفری نیز جلوگیری کرد. افزون بر این چنین صنعتی در اقتصاد روستایان نقش تکمیلی داشته است، بدین معنی که کارگران شاغل در صنایع صنعتگران صرف نیستند، بلکه در مواقعی که فشار کار کشاورزی کمتر است کشاورزان نیز دست به تولیدات صنعتی می‌زنند. به علاوه پراکنش صنایع و جمعیت از خسارات جانی و مالی احتمالی حملات نظامی غرب یا شوروی (سابق) می‌کاست.

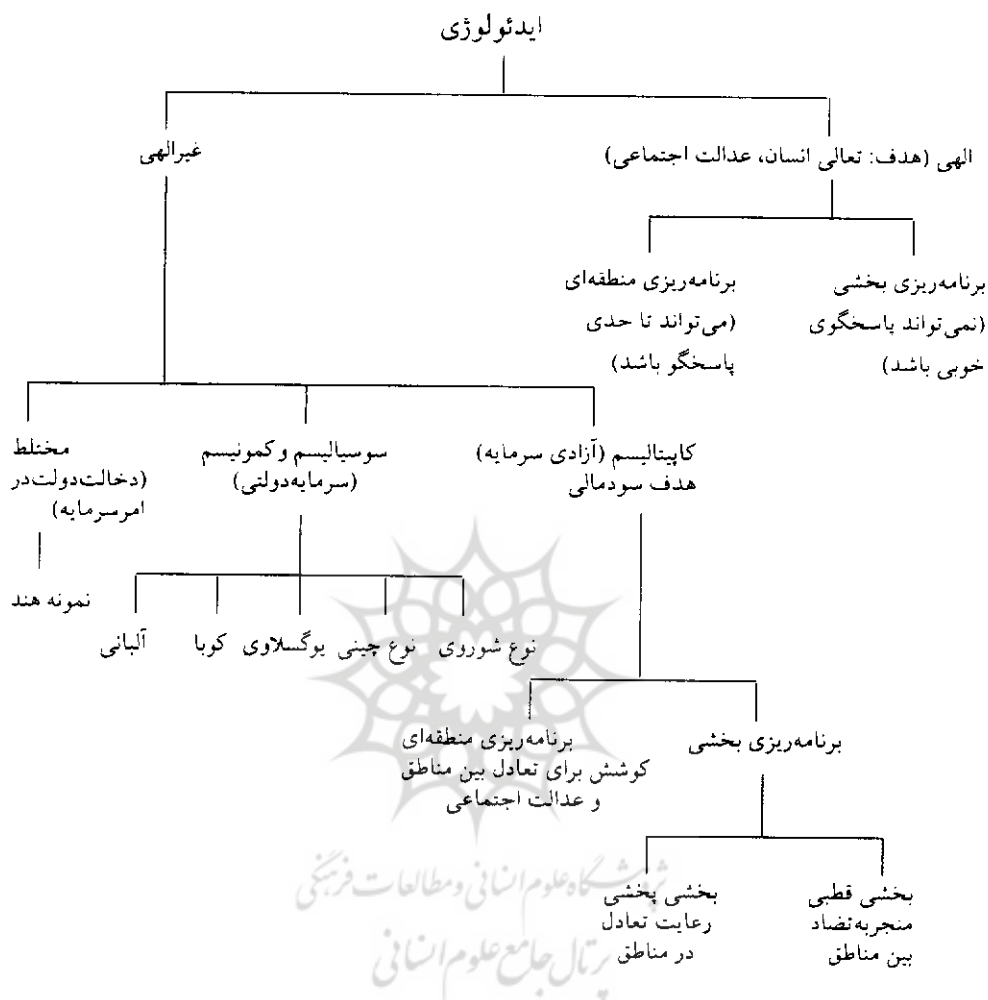
۲- برنامه‌ریزی منطقه‌ای

همانطور که بیان شد اصولاً در برنامه‌ریزی‌هایی که مبتنی بر تئوریهای غیرالهی هستند، عدالت اجتماعی در مرحله دوم و به عنوان یک موضوع فرعی قلمداد می‌شود. در اسلام و ادیان الهی مسأله عدالت اجتماعی یک اصل است. با توجه به این اصل نمی‌توان در یک بخش سرمایه‌گذاری کرد و منتظر ماند تا از سود حاصله در بخش مذکور دیگر بخشها به توسعه دست یابند. چنین سیاستی با ایدئولوژی الهی مغایر است. از این رو می‌توان گفت برنامه‌ریزی بخشی و بویژه بخشی قطبی با ایدئولوژی اسلامی

۲۷- محمدحسین پاپلی بزدی، مباحث درس دکتری نظریات توسعه روستایی.

۲۸- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: محمود روزبهان، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، ۱۳۷۴، ص ۲۲۰-۲۲۳.

مغایرت دارد. ایدئولوژی اسلامی بیشتر به برنامه‌ریزی منطقه‌ای گرایش دارد. در برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید تمام مناطق را با هم دید. در داخل مناطق نیز باید حتی‌الامکان تمام بخشهای اقتصادی را مدنظر قرار داد. هرچند ممکن است بر پایه توانهای محیطی و انسانی نواحی مختلف، یک منطقه صنعتی تشخیص داده شود، و منطقه دیگر کشاورزی یا غیره. به هر روی آنچه حائز اهمیت می‌باشد این است که تمام مناطق با تناسب معقولانه‌ای با همیاری یکدیگر توسعه یابند. برای نیل بدین مقصود امور زیربنایی و رفاهی باید به صورت عادلانه‌ای توزیع شوند. چراکه امور یاد شده در حقیقت به منزله ابزار و وسایلی هستند که راه رسیدن انسانها را به خداوند تسهیل می‌نمایند. تلاشهای دولت از اول انقلاب برای همین (مناطق محروم) استانهای محروم، شهرستانهای محروم، بخشهای محروم، دهستانهای محروم و بالاخره روستاهای محروم و اختصاص بودجه‌های ویژه و تبصره‌ای و دادن اعتبارات با تسهیلات بیشتر همه و همه در جهت به اجرا درآوردن اهداف اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی نظام جمهوری اسلامی است که خود ملهم از ایدئولوژی است. پس انتخاب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و انتخاب مناطق محروم فقط یک ضرورت بازنگری در برنامه‌های رژیم قبل نیست، بلکه ضرورتی است متکی و مبتنی به ایدئولوژی و اهداف جمهوری اسلامی.



نتیجه

ایدئولوژیها سنگ پایه‌های انواع برنامه‌ریزی در جهان امروز هستند. ایدئولوژیها را می‌توان به الهی و غیرالهی و التقاطی تقسیم کرد. همانگونه که ایدئولوژی روی برنامه‌ریزی اثر دارد، برنامه‌ریزی نیز اثر قطعی روی فضای جغرافیایی و فضاسازی جغرافیایی دارد.

اگر برنامه‌ریزی بخشی تمرکزگرا یا بخشی قطبی که انتهای طیف برنامه‌ریزی با ایدئولوژی مادی است منجر به پیشرفت بخشهایی از یک مملکت و عقب‌ماندگی بخشهای دیگر می‌گردد، اگر این نوع برنامه‌ریزی عدم تعادلهای اجتماعی را دامن می‌زند و در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما منجر به

بحرانهای سیاسی حاد شده است، برنامه‌ریزی منطقه‌ای که بیشتر به اهداف ایدئولوژی اسلامی نزدیک است می‌تواند تا حد زیادی تعادل‌های اجتماعی و محیطی را منجر شود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید، سوره‌های آل عمران آیه ۱۸، مائده آیه ۴۲، هود آیه ۸۵، اسراء آیه ۳۵، حدید آیه ۲۵.
- ۲- آیرملو، رضا، «مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره‌های ۳۱-۳۲-۳۳، ۱۳۶۳.
- ۳- احمدبن سلمان، ابوسعید، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف، تهران، بی‌تا.
- ۴- باهر، حسین، نقد و بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی، انجمن خدمات اسلامی تهران، ۱۳۵۸.
- ۵- بنیاء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصادی اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۶- پاپلی یزدی، محمدحسین، «تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۸.
- ۷- پاپلی یزدی، محمدحسین، سیداحمد، فدایی، مهاجرت‌های روستایی خراسان، تپ کوهستانی- دره‌ای (نمونه روستای روئین)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶، ۱۳۶۶.
- ۸- پاپلی یزدی، محمدحسین، مباحث درس دکتری مکتبه‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و نظریات توسعه روستایی.
- ۹- حجتی کرمانی، علی، «توزیع عادلانه ثروت»، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۱۰- رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، نشر توسعه، ۱۳۷۰.
- ۱۱- روزبهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، ۱۳۷۴.
- ۱۲- شوماخر، اف، اقتصاد با ابعاد انسانی کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۲.
- ۱۳- صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما یا شناخت اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۱۴- طلا مینایی، اصغر، تحلیلی از ویژگیهای منطقه‌ای در ایران بر اساس مطالعات منطقه نمونه اصفهان، دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۳.
- ۱۵- لسنرئج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۶- مستوفی الممالکی، رضا، «توزیع جغرافیایی تعداد و انواع واحدهای صنعتی کشور و علل توسعه ناحیه‌ای آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷، ۱۳۶۶.

- ۱۷- مشرف جوادی، محمدحسن، «عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام و راههای تأمین آن»، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۱۸- معصومی اشکوری، سیدحسن، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، نشریه شماره ۸۴.
- ۱۹- نراقی، یوسف، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
- ۲۰- وبر، ماکس، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، انتشارات علمی - فرهنگی، تهران ۱۳۷۳.
- ۲۱- وزارت برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران، معاونت امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۴.

22- *Grand Larousse*, 1991.

23- "Urbanism in Islam", *The Proceedings of The International Conferance on Urbanism in Islam*, Oct 22-28. 1989, 5 vol , Tokio. Japon.

